

کیمشان

برکت به معنای ثبات و پایداری خیر الهی در چیزی همراه با رشد و افزایش کمی و کیفی و بهره‌مندی تمام از نعمتی از نعمت‌های الهی است. از همین‌رو برخی آن را «خیر نافع» دانسته‌اند، خواه امری غیرمحموس باشد یا محسوس، مادی باشد یا معنوی. البته برکت در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است.

هرچند که دنیا دارالاسباب است، اما نمی‌توان اسباب را محدود به اسباب مادی کرد، بلکه دعا و نیایش یا برخی از اعمال چون صل‌رحم و امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلمه هر آنچه با حقیقت تقوا گره خورده است، می‌تواند از اسباب برکت شود، چنان‌که خدا در قرآن بدان توجه داده است.

بر اساس تفسیر امام صادق(ع) از معنای برکت که در تفسیر آیه «و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته است» - فرموده است: نَقَاعًا، یعنی بسیار بهرِهرسان(معنایالْخَبَار: ج ۱ ص ۱۲۲) می‌توان گفت که برکت بهره تمام است که انسان از هر چیزی می‌برد و صفر تا صد آن برایش خیر باشد. بنابراین، برکت همانند برکه آبی است که همواره قابلیت دسترسی آسان و فراوان را به آدمی می‌دهد و هرگز او را ننگ نمی‌گذارد.

اسم‌ای الهی که دارای دو وجه جلّالی و اکرامی است(الرحمن، آیه ۷۸) خاستگاه همه برکات و خیرات همیشگی در هستی است. بر اساس این نظر، مصادیق برکت بسیار گسترده است تا جایی که همه مظاهر اسمای الهی را دربر می‌گیرد؛ زیرا هر چیزی در عالم می‌تواند به جهت بسیار نافع بودن، بهره‌مند از برکت باشد تا جایی که از نظر قرآن حتی زمان‌ها و مکان‌ها نیز می‌توانند دارای برکت باشند؛ از جمله «لیله القدر» که زمان و شب با برکتی است(دخان، آیات ۳ و ۴)، همچنین سرزمین فلسطین و پیرامونش از شامات (سراء، آیه ۱ اعراف، آیه ۱۳۷؛ انبیاء، آیات ۷۱ و ۸۱) و وادی طور(قصص، آیات ۲۹ و ۳۰) یا شهر مکه و کعبه(آل‌عمران، آیه ۹۶) از مناطق و مکان‌های با برکت هستند.

قرآن از برکت آسمان‌ها به ویژه خورشید و ماه و برج‌های آسمان(فرقان، آیه ۶۱)، آفرینش قرارگاه زمین و ساختمان برافراشته عظیم آسمان(مؤمنون، آیه ۱۴؛ غافر، آیه ۴۴؛ فصلت، آیات ۱۰ و ۱۰)، باران آسمانی(ق، آیه ۹)، رشد گیاهان و میوه‌دهی آنها به برکت باران(ق)، آیات ۹ تا ۱۱)، زنده شدن زمین مرده به برکت باران(همان)، بهره‌مندی از فواید زمین(فصلت، آیات ۹ و ۱۰) و انواع روزی‌های پاکیزه(غافر، آیه ۶۴) سخن گفته است. همچنین از نظر قرآن، امور بسیار مهم معنوی چون نور نبوت پیامبران الهی(هود، آیات ۷۱ تا ۷۲؛ نمل، آیه ۸)، نور قرآن(انعام، آیات ۹۲ و ۱۵۵؛ انبیاء، آیه ۵۰؛ فرقان، آیه ۱؛ ص، آیه ۲۹)، انسان مؤمن(نور، آیه ۳۵؛ تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۶۰۵؛ حدیث ۱۷۹)، نور

اسباب برکت‌زا تمسک جوید. شکی نیست که اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عامل در برکت‌زایی، چیزی جز ایمان و تقوای الهی نیست که در سایه اعمال صالح، خودش را نشان می‌دهد. چنان‌که در نظر قرآن، کفر و بی‌تقوایی دو عامل اصلی برکت‌زدا است که برکت را از میان برمی‌دارد و بی‌برکتی رخ می‌دهد.(اعراف، آیه ۹۶)

و در عمل صالح «حق تقاته» داشته باشد، به همان میزان بهره‌مند از برکات خاص الهی خواهد شد: **و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ…**؛ اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند قطعاً برکات آسمان و زمین را برایشان می‌گشودیم.(همان)

برخی از عوامل خاص برکت که جزو مصادیق عمل صالح مؤمنان است، عبارتند از:
۱. صداقت: شکی نیست که صداقت در کنار عدالت، وفا، امانت، شکر و مانند آنها از مصادیق حق است که عقل انسان را به عنوان دین الهی می‌شناسد و بدان به عنوان سنت و قانون الهی حاکم بر هستی گرایش دارد. پس کسی که اهل صداقت باشد، از برکات انوار اسم‌ای الهی در چارچوب دین الهی بهره‌مند می‌شود.

سید حسن منصوریان

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

شکی نیست که اصلی ترین و اساسی ترین عامل در برکت زایی چیزی جز ایمان و تقوای الهی نیست که در سایه اعمال صالح، خودش را نشان می‌دهد. چنان‌که از نظر قرآن، کفر و بی‌تقوایی دو عامل اصلی برکت‌زدا است که برکت را از میان برمی‌دارد.

می‌شنیدند (و عمل می‌کردند)، آسمان بارانش را و زمین برکتش را به آنان می‌بخشید و هرگز در این ائت، اختلاف و درگیری پیش نمی‌آمد و همه از نعمت سرسبز دنیا تا روز قیامت، برخوردار می‌شدند.(امالی طوسی، ص ۵۶۶، ح ۱۱۷۴)

۹. عمل به معروف و محبت اهل آن:
بی‌گمان حقیقت معروف چیزی جز احکام و قوانین دین آسمانی نیست؛ از همین‌رو

نیرویتان زیاد شود. سحری بخورید تا به ستّ عمل کرده باشید؛ سحری بخورید هر چند یک جرعه آب باشد.(تیسیر المطالب، ص ۲۸۲)

۱۲. رضایت به قسمت: روزی هرکسی بر اساس قسمت مقدر است که رضایت بدان به معنای پذیرش حکم حکمگانه الهی است. پیامبر خدا این رضایت را عامل برکت‌زا دانسته و می‌فرماید: **إِنَّ لِكُلِّ امْرِئٍ رِّزْقًا هُوَ يَأْتِيهِ لَا مَخَالَفَةَ فَنَنْ رِّضَى بِهِ يَبْرُكْ لَهُ فِيهِ وَوَسْعَةٌ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِهِ لَمْ يَبْرُكْ لَهُ فِيهِ وَ لَمْ يَسْغُهُ إِنَّ الرِّزْقَ لَيَطْلُبُ الرَّجُلَ كَمَايَطْلُبُهُ أَجَلُهُ**؛ هرکس روزی‌ای دارد که حتما به او خواهد رسید، پس هرکس به آن راضی شود، برایش پُر برکت خواهد شد و او را پس خواهد بود و هرکس به آن راضی نباشد، نه برکت خواهد یافت و نه او را پس خواهد بود. روزی در پی انسان است، آن‌گونه که اجلش در پی اوست.(اعلام‌الدین، ص ۳۴۲)

۱۴. نماز: شکی نیست که بزرگ‌ترین عمل صالح تقواست، نماز در کنار زکات است و این خود عامل برکت را است. پیامبر می‌فرماید: **مِنَ الصَّلَاةِ مَنْ شَرَّاعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ غُزُجِلَ وَ هِيَ مَهْنَأُ الْاَنْبِيَاءِ وَ لِلْمُضَلِّي خَبٌ الْمَلَائِكَةِ وَ هُدًى وَ اِيْمَانٌ وَ نُوْرٌ الْمَعْرِفَةِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ**؛ نماز، از آیین‌های دین است و رضای

بروردگار، در آن است و آن راه پیامبران است. برای نمازگزار، محبت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی است.(خصال، ص ۵۲۲، ح ۱۱)

۱۵. غذای دسته‌جمعی: پیامبر خدا درباره نقش این عامل در برکت می‌فرماید: کُلُوا جَمِيعًا وَ لَا تَفْرَقُوا فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ با هم غذا بخورید و پراکنده نباشید، که برکت با جماعت است.(بحارالأنوار، ج ۶۶ ص ۳۴۹)

۱۶. مهریه آسان: مهریه با واجبات نکاح است، اما لازم است مناسب باشد و در آن آسان‌گیری شود. پیامبر رحمت آسان‌گیری را عامل برکت می‌دانند، چنان‌که هرگونه آسان‌گیری نسبت به دیگری از برادران مؤمن این‌گونه است: **أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةٌ إِتْرَسَهُنَّ ضِدَافًا**؛ به برکت‌ترین زنان، کم‌مهریه‌ترین آنان است. (السنن الکبری، ص ۷، ج ۲۲۵)

۱۷. دختران در خانواده: از دیگر عوامل برکت‌زا وجود دختران در خانواده است؛ چنان‌که پیامبر می‌فرماید: **رَحِمَ اللَّهُ أَبَا الْبَنَاتِ، الْبَنَاتُ مُبَارَكَاتٌ مَحَبَّتٌ وَ الْبَنُونَ مُبَشِّرَاتٌ وَ هُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ**؛ رحمت خدا بر بدری که دارای دخترانی است! دختران، با برکت و دوست‌داشتنی‌اند و پسران، مژده آورند. دختران باقیات‌الصالحات (پارماندگان شایسته)‌اند. (مسندبرک الوصال، ج ۱۵، ص ۱۱۵۰ - ۱۱۷۰)

۱۸. نام‌گذاری به نام پیامبر(ص): این نیز از دیگر عوامل برکت‌زا است؛ چنان‌که پیامبر(ص) می‌فرماید: **مَنْ تَسَمَّى بِاسْمِ تِرْجُو بَرَكَتِي وَ يَمْنَى، غَدَتْ عَلَيْهِ الْبَرَكَةُ وَ رَاحَتُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**؛ هرکس به نام من نام‌گذاری کند و برکت و خجستگی مرا امید داشته باشد، برکت به سوی او خواهد آمد تا قیامت (باقی) خواهد بود.(کنزالعالم، ج ۴۵۲۲)

۱۹. عبادت مریض: از دیگر عوامل برکت‌زا عبادت بیماران است؛ پیامبر می‌فرماید: **عَائِدُ الْمَرِيضِ يَخْصُوهُ فِي الْبَرَكَةِ** فاذا جَلَسَ لِمَنْسَمِنٍ فيها؛ عبادت‌کننده بیمار، در برکت فرو می‌رود و نزد جند بیمار بنشینند، در آن غوطه‌ور می‌شود. (کنزالفوائد، ج ۱، ص ۱۷۸)

۲۰. وجود پیران: پیران و بزرگان هر قوم و ملتی عامل برکت است؛ چنان‌که پیامبر خدا می‌فرماید: **الْبَرَكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ**؛ برکت، با بزرگان شمشات.(جامع الأخبار، ص ۲۲۲، ج ۶۱۷)

۲۱. نشستن یتیم بر سفره غذا: پیامبر در این‌باره می‌فرماید: **ما مِنْ مَائِدَةٍ أَكْمَلَ بَرَكَةُ**

می‌فرماید: نمازگزاران کسانی هستند که: **(الف)** همواره نمازشان را می‌خوانند و هرگز آن را ترک نمی‌کنند. **(ب)** نیازمندان و محرومان جامعه را شریک مال خود می‌دانند. **(ج)** قیامت را باور دارند، چرا که همه مشکلات و گرفتاری‌ها و غفلت‌ها در اثر فراموشی قیامت است. وقتی قرآن علت تبیه‌کاری را برمی‌شمارد، می‌فرماید: «چون روز حساب را فراموش کردند، تن به گناه دادند.»^(۱) نمازگزار کسی است که قیامت و حساب‌رسی اعمال را فراموش نمی‌کند.

(د) کسانی که از عذاب خدا هراسناکند. نماز آن است که انسان را از عذاب حق تعالی پس قبول شده است. اگر نمازش او را از گناه و معصیت بازداشت، پس قبول شده است. پس نماز به همان میزان و اندازه‌ای که تأثیر می‌گذارد و بازدارنده از معصیتی می‌شود، مقبول است.^(۲)

۲۱. نشستن یتیم بر سفره غذا: پیامبر در این‌باره می‌فرماید: **ما مِنْ مَائِدَةٍ أَكْمَلَ بَرَكَةُ** و میثاقی با خدا می‌بندیم؟ آینا وقتی با «الحمدلله» همه خوبی‌ها و ستایش‌ها را مخصوص خدا می‌دانیم، از خودستایی‌ها و خودستندی و چاپلوسی در برابر دیگران فاصله می‌گیریم؟

ممکن است سؤال شود اگر نماز بازدارنده از نمازگزاران با وجود اقامه نماز باز مر تکب معصیت می‌شوند؟ در پاسخ باید گفت که بازدارندگی نماز به میزان قبول آن است. اقامه (برگسزاری) نماز با خواندن آن فرق دارد، یعنی در عمل می‌باید بندگی خدا را کرد، نه فقط با زبان. نماز دارای درجات و مراتب است. هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و حضور قلب و روح عبادت برخوردار باشد، مورد قبول خواهد بود و در نتیجه اثر وضعی و بازدارندگی از گناه خواهد داشت.

۱. احکام مربوط به نماز، مثل طهارت، اخلاص، رعایت احکام و مسائل مرتبط با آن، ۲. ویژگی‌های مربوط به نمازگزار. قرآن در سوره مجراج پس از بیان نماز، ویژگی‌های نمازگزاران را در هشت بند ذکر می‌کند و

صفحه ۷

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۸۱

بِالْبَرَكَةِ: الْخِيَانَةُ، وَ الشَّرِيفَةُ، وَ شُرْبُ الْخَمْرِ، وَ الرِّثَاءُ، چهار چیز است که اگر یکی از آنها به خانه‌ای درآید آن را ویران می‌کند و با برکت آبادان نمی‌شود؛ خیانت، خمر، شرابخواری و زنا(میزان‌الحکمه، ج ۱، ذیل واژه برکت) از مصادیق بی‌تقوایی و فجور ناپایده گرفتن حق و حقوق برادران دینی مسلمان است که عامل برکت‌زدا است. پیامبر خدا در جایی دیگر می‌فرماید: **مَنْ حَسِنَ عِنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ خَفٍّ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَةَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ**؛ هرکس که چیزی از حق برادر مسلمانش را نگه دارد او به او ندهد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می‌کند مگر آنکه توبه کند.(همان)

همچنین ریاکاری و دنبال شهرت رفتن به عنوان مصادیق فجور و بی‌تقوایی مطرح شده است؛ چنان‌که پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: **مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَ شَسَعَهُ تَرِيدٌ بِهَ الدُّنْيَا، نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ، وَ ضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ، وَ وَكَّلَهُ اللَّهُ**؛ ایلی نفسیه، و من وکله الله»؛ هرکس از روی ریا و شسمعه (رسیدن به گوش مردم) و به قصد دنیاخواهی علم بیاموزد خداوند برکتش را از آن می‌گیرد، زندگی را بر او سخت می‌کند و او را به حال خودش وا می‌گذارد و هرکس که خدا او را به حال خودش واگذارد هلاک شده است.(همان)

سوگند در هر حالی خوب نیست، اما سوگند دروغ بسیار بد است و عامل از دست رفتن برکت از زندگی است؛ چنان‌که پیامبر خدا می‌فرماید: **الْخَلْفُ مُنْتَفَعٌ لِلتَّائِبَةِ، مُمَحَقٌّ لِلْبَرَكَةِ**؛ قسم خوردن، کالا را می‌کاهد و به پایان می‌رساند و برکت را از بین می‌برد.(همان)

همان‌طور که گفته شد اقامه عدالت از مصادیق برکت‌زا و در مقابل، غش و دیگر رفتارهای نادرست ظالمانه از مصادیق برکت‌زدا و فجور است؛ در این‌باره پیامبر خدا می‌فرماید: **مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَكَةَ رِزْقِهِ**؛ هرکس برادر مسلمانش را بفریبد، خداوند برکت روزی‌اش را از او می‌گیرد.(میزان‌الحکمه، ج ۱، ذیل واژه برکت) گناهان و جنایات از مصادیق فجور است که عامل برکت‌زدا است؛ امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: **إِذَا ظَهَرَتِ الْجَنَائِبُ انْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ**؛ هرگاه گناهان، بسیار و آشکارا گردد برکت‌ها از میان می‌رود.(همان)

حرام خواری از مصادیق فجور و ظلم و خروج از دایره عدالت است که عامل برکت‌زدا است. امام جواد(ع) یا امام هادی(ع) – به داوود صرمی– فرمود: ای داوود! مال حرام رشد نمی‌کند و اگر هم رشد کند، برای صاحبش برکتی ندارد و اگر از آن چیزی اتفاق کند، پاداشی نخواهد دید و آنچه پس از خود بر جای گذارد ره‌توشه او به سوی دوزخ است.

اسراف از مصادیق گناه و فجور و خروج از دایره عدالت است. امام صادق(ع) می‌فرماید: **إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ بَلَّةٌ الْبَرَكَةُ**؛ با اسراف، کمی برکت است.(همان)

حرام‌خواری نیز از دیگر مصادیق فجور و ظلم و خروج از دایره عدالت است که عامل برکت‌زدا است. امام جواد(ع) می‌فرماید: «لا سلوة لِمَن یطع الصلوة و طاعته ان ینتهی عن الغشفاء و المنکر؛ کسی که اطاعت فرمان نماز نکند، نمازش نماز نیست و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از فضا و منکر به کار بندد.»^(۱)

۲- نهی تکوینی؛ یعنی اقامه نماز یک اثر وضعی دارد و آن بازداشتن نمازگزار از نزدیک‌شدن به گناه است.

۳- پیامبر بفرمود: «لا سلوة لِمَن یطع الصلوة و طاعته ان ینتهی عن الغشفاء و المنکر؛ کسی که اطاعت فرمان نماز نکند، نمازش نماز نیست و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از فضا و منکر به کار بندد.»^(۲)

۴- نهی تکوینی؛ یعنی اقامه نماز یک اثر وضعی دارد و آن بازداشتن نمازگزار از نزدیک‌شدن به گناه است.

۵- پیامبر گفتند: فلان جوان انصاری که پیوسته در مسجد پشت سر شما نماز می‌خواند، آلوده به گناهان زشتی است و از آن دست نمی‌کشد. فرمود: **أَنْ صَلَّاتِهِ تَنَاهَا**؛ یوماً^(۳) یک روزی پاک‌باله نماز او را از گناه بازش می‌دارد و پاکش می‌کند.

۶- با توجه به این توضیحات روشن‌شد که نماز هم آثار تشریعی بازدارندگی دارد و هم آثار تکوینی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شاهد این ادعا، آمار جرم و جنایت و بزهکاری است که سازمان ملل از جوامع مختلف، و دستگاه‌های کشورها همانند دادگستری به صورت سالانه و ماهانه منتشر می‌کند.

۲. مستدرک، ج ۲، ص ۲۲۹؛ غرالحکم، ج ۱، ص ۴۸.

۳. به نقل از آثار الصادقین، ج ۱۸، ص ۳۲۱.

۴. بحوالیه، حکمت ۲۴۴.

۵. بحارالانوار، ج ۸۲ ص ۲۲۷.

۶. مجمع‌بیان، ج ۸ ص ۴۴۷.

۷. ص ۲۶.

۸. اوصاف شگانه نمازگزاران و نتیجه آن، که در این آیه تجلی‌یافته مربوط می‌شود به آیات ۲۳ تا ۳۵ سوره معارج.

۹. مجمع‌البیان، ذیل آیه ۴۵ عنکبوت.

۱۰. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۷، با تلخیص.

***مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی**

شبهه: چگونه نماز انسان را از گناه باز می‌دارد؟

پاسخ: هر نمازی که از روی ریا و برای هموار کردن موقعیت اجتماعی و شغلی نباشد، بلکه ریشه در تعبد و اعتقاد فرد داشته باشد، در جلوگیری از گناه به صورت نسبی مؤثر خواهد بود. اگر چه همه شرایط و ویژگی‌ها را نداشته باشد.

آمار جرایم جامعه‌ای که افراد آن اهل نمازند، با جامعه پی‌نماز یکسان نیست.

حتی آثار بزهکاری و جرم و جنایت جامعه نمازگزار در ماه‌های مختلف سال متفاوت است. ماه‌هایی که مردم بیشتر به عبادت به‌خصوص نماز گرایش و توجه دارند مثل ماه مبارک رمضان و رجب و شعبان و دهه اول ذی‌الحجه، آمار معاصی اجتماعی، کمتر از ماه‌های دیگر است.^(۱)

این آمارها، تأثیر عملی نماز و عبادت و یاد خدا را اثبات می‌کند.

آثار نماز

در ادامه ضمن برشمردن برخی از آثار نماز و چگونگی تبدیل شدن آن به عامل بازدارنده از گناه، به تاثیرات تشریعی و تکوینی نماز و شرایط و ویژگی‌های نمازگزار و نماز مقبول اشاره خواهد شد.

نماز از چند جهت بازدارنده از گناه است:
نماز ریشه گناهان (کبر و غرور) را می‌خشکاند

ریشه بسیاری از گناهان، غرور و خودپسندی است، یعنی عاملی که ابلیس (عابد چندزهارساله مستجاب‌الدعوه) را از مقام عبودیت انداخت و به «شیطنت» و «رجیم» متصف ساخت.

امیرالمؤمنین(ع) ضمن بر حذر داشتن از کبر و غرور می‌فرماید: **«فَإِنَّهُ مِنْ أَكْظَمِ الذُّنُوبِ وَ الْأَمِّ الْفُیُوبِ، وَ هُوَ حِلَّةُ الْبَیْسِ»**^(۱)؛ و تکبر و خودخواهی، بهره‌رید، چرا که آن بزرگ‌ترین گناه و پست‌ترین عیب‌ها و زیور ابلیس است.»

یکی از آثار و خواص نماز، ریشه‌کن کردن و منزه نمودن نمازگزار از کبر و خودخواهی است. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: **«و الصلوة تنزهنا عن الکبر»**؛ نماز انسان را از کبر و غرور منزه می‌سازد.»

بدیهی است وقتی علت و ریشه گناه محو شد، خود گناه که معلول آن است نیز محو خواهد شد.

نماز یاد خدا است و یاد خدا بازدارنده است

از آیه ۴۵ سوره عنکبوت این نکته استفاده

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده: «تا زمانی که مؤمن مراقب نمازهای پنج‌گانه خویش است، شیطان از او واهمه و نگرانی دارد، اما همین که نسبت به نماز بی‌توجهی کرد و آن را سبک شمرد و ضایع ساخت، ترس و نگرانی شیطان فرو می‌ریزد و جرأت می‌کند خود را به ضایع‌کننده نماز نزدیک کند.»

ممکن است سؤال شود اگر نماز بازدارنده از گناه است، پس چطور بسیاری از نمازگزاران با وجود اقامه نماز ساز مرتکب معصیت می‌شوند؟

در پاسخ باید گفت که بازدارندگی نماز به میزان قبول آن است. اقامه (برگزاری) نماز با خواندن آن فرق دارد، یعنی در عمل می‌باید بندگی خدا را کرد، نه فقط با زبان.

نماز دارای درجات و مراتب است

هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و حضور قلب و روح عبادت برخوردار باشد، مورد قبول خواهد بود و در نتیجه اثر وضعی و بازدارندگی از گناه خواهد داشت.

امام صادق(ع) می‌فرماید: **«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تَقْبَلْ، فَيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ، فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ مِنْهُ، قَبِلَتْ مِنْهُ أَمْ كَسَى** می‌خواهد

به معنی بسنده کردن به داشته‌ها بدون حرص و طمع است؛ از این‌رو پیامبر خدا می‌فرماید: **الْفَاقَةُ بَرَكَةٌ، قَنَاعَت، بَرَكَت** است.(همان)

۴. تسامح: اسلام دین «سجحه و سهله» است؛ از همین رو تکالیف، همواره بر اساس توان و طاقت عمومی بشر بیان شده است. در رفتار اجتماعی هم این تسامح با رفاقت و مدارا خود را نشان می‌دهد. بنابراین، از عوامل برکت می‌توان به تسامح در همه ابعاد اشاره کرد. پیامبر خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: **الْبَرَكَةُ فِي الْمُمَاسَحَةِ**؛ برکت، در آسان گرفتن

۵. عدالت و استفاده از ترازو: عدالت به‌ویژه عدالت در معاملات با استفاده از ابزار سنجش از جمله کیل و پیمانه، خود را نشان می‌دهد. از آنجا که همه هستی بر اساس عدالت سامان‌یافته است، دین الهی مقتضی آن است که عدالت در همه عرصه‌ها به‌ویژه اقتصادی نمودار شود. بر این اساس اقامه عدالت با میزان و ترازو و کیل و پیمانه و مانند آنها به عنوان عامل برکت معرفی می‌شود؛ چنان‌که پیامبر خدا می‌فرماید: **کیلو طعماکم، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ فِي الطَّعَامِ الْفَکِيلِ**؛ خوراک (غلات) خود را وزن کنید که برکت در خوراک توزین شده است.(همان، امام علی(ع)

عوامل و نشانه‌های برکت



می‌فرماید: **بِالْقَدَلِ تَنْضَاعُ الْبَرَكَاتِ**؛ با عدالت و دادرگی، برکت‌ها دو چندان می‌شود.(همان)

۶. آسان‌گیری در معاملات: مؤمنان در تعاملات با یکدیگر باید مدارا داشته باشند که نمود مدارا آسان‌گیری در معاملات است. پیامبر خدا درباره نقش آسان‌گیری در برکت‌زایی می‌فرماید: **ثَلَاثُ فِیْهِنَ الْبَرَكَةُ: التَّبِعُ إِلَى أَجْلِ، وَ الْمَقَارَضَةُ، وَ اخْلَاطُ الرَّبِّ بِالشَّعْبِ** لپیت لا للبیع؛ در سه چیز برکت است: خرید و فروش مدت‌دار (تسبیه‌فروشی)، وام دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با جو برای مصرف خانه نه برای فروش.(همان)

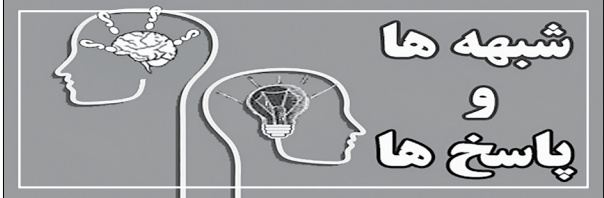
۷. رفتار سالم و صحیح اجتماعی:

امام علی(ع) به کمال بین زیاد- درباره نقش رفتارهای سالم اجتماعی در ایجاد برکت و برکت‌زایی فرموده است: **با تمکیل الْبَرَكَةُ فِي مَالِ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَ وَاسَى الْمُؤْمِنِينَ وَ وُضِّلَ الْأَقْرَبِينَ**؛ ای کمیل! برکت، در مال کسی است که زکات بپردازد، با مؤمنان مواسات داشته باشد و به خویشاوندان نیکی رساند.(همان)

۸. اطاعت خدا و پیامبران: امام (رضاع) در این‌باره می‌فرماید: **أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: إِذَا أَطَعْتَ رَضِيْتُ، وَ إِذَا رَضِيْتُ بَارَكْتُ، وَ لَيْسَتْ لِبَرَكَتِي نَهَایَه**؛ خداوند عزوجل به یکی از پیامبران خود وحی فرمود که: هرگاه اطاعت شوم، خشنود می‌گردم و او هم‌رو پیامبر

گرم، برکت می‌دهم و برکت من پایانی ندارد. (همان) امام حسن(ع) نیز می‌فرماید: **لَوْ أَنَّ النَّاسَ سَمِعُوا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ رَسُلَاهُ لَأَطَعْتُهُمْ** از خیر، محروم می‌شدند است.(میزان‌الحکمه، ج ۱، ذیل واژه برکت؛ کافی، ج ۲، ص ۱۱۹، ج ۷)

۳. قناعت: یکی از آموزه‌های قرآنی، قناعت



قدرت بازدارندگی نماز

بفهمد، نمازش قبول شده یا نه، به وضع و حال خویش بنگرد.

اگر نمازش او را از گناه و معصیت بازداشت، پس قبول شده است.

پس نماز به همان میزان و اندازه‌ای که تأثیر می‌گذارد و بازدارنده از معصیتی می‌شود، مقبول است.^(۲)

نماز با حفظ شرایط، مانع گناه است

نمازگزار کیست و نماز مقبول چه شرایط و ویژگی‌هایی دارد؟

نمازگزار از افغانان در دام شیطان و ارتکاب دسته شرایط و ویژگی‌ها است:

در پاسخ باید گفت که بازدارندگی نماز به میزان قبول آن است. اقامه (برگزاری) نماز با خواندن آن فرق دارد، یعنی در عمل می‌باید بندگی خدا را کرد، نه فقط با زبان.

نماز دارای درجات و مراتب است

هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و حضور قلب و روح عبادت برخوردار باشد، مورد قبول خواهد بود و در نتیجه اثر وضعی و بازدارندگی از گناه خواهد داشت.

امام صادق(ع) می‌فرماید: **«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تَقْبَلْ، فَيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ، فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ مِنْهُ، قَبِلَتْ مِنْهُ أَمْ كَسَى** می‌خواهد